

# بررسی مدل جریان دانش‌آموزی دوره راهنمایی تحصیلی آموزش و پرورش شهرستان اهواز طی سال‌های برنامه چهارم توسعه کشور

یدالله مهرعلی زاده<sup>۱</sup>

یونس رومیانی<sup>۲</sup>

عبدالله پارسا<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۱/۸/۱۵

## چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی روند جریان دانش‌آموزی مقطع راهنمایی شهرستان اهواز طی سال‌های برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۳) است. در این رابطه نرخهای گذر، ارتقاء، تکرار پایه، و مدل جریان دانش‌آموزی مورد بررسی قرار گرفته است. روش به کار گرفته شده در این مطالعه، توصیفی-تحلیلی بوده و به کمک مدل جریان دانش‌آموزی و از طریق ترسیم جداول و نمودار نتایج به ثبت رسیده است. جامعه آماری مورد استفاده در این پژوهش، کلیه مدارس شهرستان اهواز طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۳ بوده و به دلیل ماهیت توصیفی پژوهش، کلیه جامعه آماری به منظور تحلیل مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از مهمترین نتایج به دست آمده از این تحلیل عبارتند از: نرخ ارتقاء در بین دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی بیشتر از دانش‌آموزان پسر در شهرستان اهواز بوده است. در طول برنامه چهارم توسعه، عملکرد دانش‌آموزان شهری همواره نسبت به دانش‌آموزان روستایی در سطح بهتری بوده است و میزان نرخ گذر واقعی دانش‌آموزان دختر در عبور از دوره راهنمایی بیشتر از دانش‌آموزان پسر بوده است. واژگان کلیدی: الگوی جریان دانش‌آموزی، نرخ ارتقاء، نرخ تکرار پایه، نرخ گذر، مقطع راهنمایی

---

۱- استاد برنامه ریزی استراتژیک آموزشی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز

۲- کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه شهید چمران اهواز (unes.romiani@yahoo.com)

۳- دانشیار برنامه ریزی درسی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز

## مقدمه و بیان مسأله

جامعه امروز گسترش کمی آموزش و پرورش را مطلوب می‌داند و از مظاهر پیشرفت به شمار می‌آورد. براساس این باور در تمام برنامه‌های توسعه، بهره‌مندی آحاد ملت از میزان آموزش و پرورش، که لازمه زندگی شناخته شده است، سرلوحه سیاست‌گذاری‌های آموزشی قرار می‌گیرد. از سویی دیگر، آموزش و پرورش یکی از نهادهای مهم اجتماعی در هر کشور می‌باشد که اهداف و مسؤولیت‌های خطیری بر عهده آن گذاشته شده است. تحقق اهداف آموزش و پرورش به کفایت و کارآمدی نظام یا سیستم آموزشی بستگی دارد. برای رسیدن به هدف‌های واقعی آموزش و پرورش که همان ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار و نگرش دانش‌آموزان است، نیاز به برنامه‌ریزی‌های گوناگون و همه‌جانبه دارد که یکی از مهم‌ترین آنها، برنامه‌ریزی برای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و همچنین بهبود شرایط موجود به منظور ارتقاء تحصیلی و به صورت کلی، افزایش کیفیت آموزش دانش‌آموزان است، مک‌ماه<sup>۱</sup> نقل در مشایخ (۱۳۸۹) بیان می‌دارد که هرگاه نظام آموزشی را به تفکیک اجزای تشکیل‌دهنده آن که عبارتند از درون‌دادها، فرایندها، محصول‌ها، بروندادها و پیامدها، در نظر بگیریم، شاخص‌ها یا نشانگرهایی ارائه می‌دهد که سنجش کارایی درونی و بیرونی را امکان‌پذیر می‌سازد. برای شاخص‌های درونداد می‌توان از تعداد دانش‌آموزانی که در دوره یا پایه‌ای خاص ثبت‌نام می‌کنند (پوشش تحصیلی)، استفاده کرد. فرایندها شامل سال‌هایی که دانش‌آموزان صرف‌نموده‌اند، نسبت اتلاف، نرخ قبولی، نرخ تکرار پایه، نرخ ترک تحصیل و نرخ ماندگاری می‌باشند. محصولات و بروندادها شامل تعداد دانش‌آموختگان، تعداد واحدهای درسی به اتمام رسیده و تغییر در نگرش، دانش و توانش دانش‌آموختگان است. منظور از کارایی درونی، میزان موفقیت حاصل در درون نظام آموزشی است که با اندازه‌گیری نشانگرها یا شاخص‌هایی چون نرخ‌های سه‌گانه ارتقاء، تکرار و ترک تحصیلی، نرخ اتلاف، درصد

---

<sup>۱</sup> . Mc mahon

کارایی، میانگین طول دوره تحصیلی و نرخ دانش آموختگان محاسبه و تبیین می شود (مشایخ، ۱۳۸۹).

به زعم عماد زاده (۱۳۷۹) کارایی درونی به مقایسه بین کیفیت ستاده های نظام آموزشی، مثل کسب مهارت های شناختی و هزینه های نهادی آموزشی می پردازد. به این ترتیب کارایی درونی، نسبت محصول آموزشی به دست آمده به هزینه های به کار رفته می باشد. تحقیقات انجام گرفته در بعضی از کشورها حاکی از پایین بودن میزان کارایی درونی آموزش بوده است. به طوری که آباچی (۱۹۹۷)، جی انکیوب<sup>۱</sup> (۲۰۰۴)، کانروی و آرچیو<sup>۲</sup> (۲۰۰۸)، و تری بل (نقل در ممبینی، ۱۳۷۴) میزان این شاخص را در حوزه های مطالعاتی خود به حدی پایین می دانند که گاهی از آن به عنوان بحران یاد کرده اند. برخی مطالعات دیگر مانند بررسی های صورت گرفته توسط جونز (۲۰۰۶) و چاکرابورتی (۲۰۰۹) شاهد کارایی بالای مدارس در حوزه های مطالعاتی خود بوده اند. در تحقیقی که در ایران توسط فاتحی (۱۳۸۱) انجام شده است، میزان کارایی درونی دانش آموزان دختر فنی و حرفه ای در مقایسه با دانش آموزان پسر استان اصفهان، بیشتر و بهتر ارزیابی شده است. نتایج بررسی های دیگری که توسط ممبینی (۱۳۷۴)، سالمی (۱۳۸۲)، عطابخش (۱۳۷۶) و ویسی (۱۳۸۷) صورت گرفته است، در مجموع حاکی از پایین بودن شاخص کارایی درونی بوده است. پژوهش دیگری توسط بهمنی (۱۳۸۲) در مورد کارایی درونی شاخه کار و دانش صورت گرفته و به این نتیجه رسیده بود که شاخص مذکور در بین دانش آموزان پسر از میانگین کارایی درونی کل کشور پایین تر و کارایی درونی دختران از میانگین کشوری بالاتر بوده است. همچنین یافته معروفی (۱۳۷۹) نشان داده است که در جامعه آماری مورد مطالعه خود به طور کلی عملکرد دانش آموزان شهری در مقایسه با دانش آموزان روستایی وضعیت مطلوب تری داشته است. در پژوهش های سالمی، در سال های ۷۶ و ۸۲، مشخص گردیده است که در طول برنامه دوم و سوم ضریب کارایی درونی استان خوزستان از ۷۳/۶ درصد به ۷۶/۱ درصد افزایش داشته است. آژانس توسعه بین المللی

---

<sup>۱</sup> . J ncube

<sup>۲</sup> . Conroy & Arguea

آمریکا (۲۰۰۳، ص ۱) افزایش کارایی درونی نظامهای آموزشی، بویژه کارایی آموزش پایه عمومی را مهمترین اولویت راهبردی خود اعلام کرده است. این دفتر بیان می کند که چون بخش اعظم سرمایه گذاری ها در آموزش و پرورش، در اثر افت تحصیلی، تکرار پایه و ترک تحصیل دانش آموزان، بازده مورد نظر را به دنبال نداشته است، اولین و مهمترین اولویت کاری خود را بهبود نشانگرهای کارایی درونی آموزش، از جمله کاهش ترک تحصیل و تکرار پایه و افزایش ارتقا و گذر تحصیلی می داند. بنابراین با توجه به اینکه برنامه ریزان، با اطلاع از روند دانش آموزی و تعداد دانش آموزانی که یک دوره تحصیلی را با موفقیت به پایان می رسانند و تعدادی که در هر یک از پایه های تحصیلی از آن دوره آموزشی خارج می شوند، یا آن را تکرار می کنند، می توانند تنگناهای موجود را در رسیدن به هدف های آموزش و پرورش شناسایی کرده، با بررسی علت های آن، نسبت به برطرف نمودن آنها اقدام نموده و همچنین با توجه به مرکزیت شهرستان اهواز و همچنین شرایط خاص این شهرستان مثل تنوع قومی- نژادی و شرایط آب و هوایی، بالطبع آگاه بودن نسبت به وضعیت روند دانش آموزی این شهرستان از جمله؛ نرخ ارتقاء (قبولی)<sup>۱</sup>، نرخ مردودی<sup>۲</sup>، تکرار و نرخ افت تحصیلی<sup>۳</sup> دانش آموزان این شهرستان در طول برنامه توسعه چهارم و اینکه آیا مدارس این شهرستان در قیاس با سال های برنامه های توسعه قبل تغییر قابل توجهی داشته اند یا خیر؟ می تواند مسئولان و طراحان برنامه ریزی این شهرستان، را در طراحی برنامه هایی نسبت به بهبود شرایط موجود این شهرستان و همچنین رفع کاستی ها و هموار کردن راه موفقیت تحصیلی این دانش آموزان یاری رساند. بنابراین موضوع تحقیق حاضر بررسی روند جریان دانش آموزی دوره راهنمایی تحصیلی آموزش و پرورش شهرستان اهواز طی سال های برنامه چهارم توسعه کشور در سال های برنامه چهارم توسعه کشور می باشد.

---

<sup>۱</sup> . Promotion rate

<sup>۲</sup> . repetition rate

<sup>۳</sup> . Drop-out rate

### پیشینه‌ی پژوهش

چاکرابورتی<sup>۱</sup>، بیسواز<sup>۲</sup> و لويس<sup>۳</sup>، (۲۰۰۱) در پژوهشی تحت عنوان «اندازه‌گیری کارایی فنی در آموزش عمومی» هر دو رویکرد تولیدی و یا عملکرد تصادفی و غیرتصادفی را برای اندازه‌گیری کارایی فنی و تکنیکی در آموزش عمومی ایالت یوتا استفاده کردند. روش تصادفی با فرض توزیع نیمه نرمال و تصاعدی، کارایی فنی را تخمین می‌زند. رویکرد غیرتصادفی یک روش تحیل پوششی داده‌های دو مرحله‌ای را برای جدا کردن تأثیر داده‌های ثابت بر اندازه‌گیری کارایی فنی استفاده می‌کند. تحلیل تجربی، تفاوت‌های اساسی را در کارایی مدارس مناطق مختلف نشان داد، اگر چه این اندازه‌گیری‌ها نسبت به فرضیه‌های توزیعی خاص در مورد مؤلفه‌های یک طرفه خطا در رویکرد تصادفی حساس نیستند، ولی به داده‌های اجتماعی و اقتصادی ثابت در روش تحلیل پوششی داده‌ها دو مرحله‌ای حساسیت نشان داد.

برادلی<sup>۴</sup>، جونز<sup>۵</sup> و میلینگتن<sup>۶</sup>، (۲۰۰۱) در پژوهشی با عنوان «نقش رقابت بر کارایی مدارس راهنمایی در انگلستان»، کارایی فنی مدارس متوسطه انگلستان را بر اساس برون‌دادهای چندگانه، عملکرد امتحانی مدارس و میزان حضور از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸ بررسی کردند. سپس مدل‌هایی برای بررسی شاخص‌های کارایی در یک سال خاص، و شاخص‌های تغییر کارایی در همان دوره تخمین زدند. نتایج تحقیق نشان داد که هر چه میزان درجه رقابت بین مدارس بیشتر باشد کارایی آنها بیشتر است تأثیرگذاری این نتیجه با تکامل برنامه ظاهراً تجاری مدارس متوسطه سازگار بود، مشخص شد که یک عامل تأثیرگذار در طول زمان می‌باشد.

---

<sup>1</sup> . Chakraborty

<sup>2</sup> . Biswas

<sup>3</sup> . Lewis

<sup>4</sup> . Bradley

<sup>5</sup> . Jonez

<sup>6</sup> . Milington

دوراسیامی<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۲ در مقاله‌ای با عنوان « تغییرات در نرخ بازدهی آموزش در بازار کار در هند» به بررسی میزان تغییرات در نرخ بازدهی آموزش از طریق برآورد هزینه‌ها و فواید خصوصی و اجتماعی آموزش و مقایسه آنها با هم پرداخته است. یافته‌ها نشان داد که در دوره زمانی فوق نرخ بازدهی آموزش تا دوره دبیرستان افزایش، ولی در دوره‌های آموزشی پس از آن کاهش یافته است.

پژوهش جی انکیوب (۲۰۰۴) در مورد کارایی درونی مدارس متوسطه روستایی زیمبابوه به این نتیجه رسید که کارایی درونی مدارس متوسطه روزانه روستایی این کشور پایین بوده است و حداقل ۳۰ درصد از دانش‌آموزانی که وارد این مدارس می‌شوند، موفق به اتمام این دوره می‌شوند. دست کم ۴/۷ درصد دانش‌آموزان ثبت نامی هر پایه مجدداً پایه را تکرار می‌کنند و نرخ تکرار در بین دانش‌آموزان دختر، بیشتر از دانش‌آموزان پسر است. همچنین انکیوب دلایل پایین بودن نرخ قبولی و به طور کلی کارایی درونی مدارس این کشور را شامل روحیه پایین معلم، نبود منابع، دوری مدارس از محل سکونت دانش‌آموزان و عدم تناسب برنامه درسی طراحی شده با وضعیت مدارس روستایی می‌داند. همچنین استپنیتسکی<sup>۲</sup>، (۲۰۰۴) در پژوهشی که با عنوان «کارایی مدارس راهنمایی در جمهوری چک» انجام داد کارایی مدارس راهنمایی در جمهوری چک را با استفاده از تحلیل پوششی داده‌ها برآورد می‌کند، سپس کارایی برآورد شده را با ویژگی‌ها و خصوصیات معلم و مدرسه با استفاده از مدل **TOBIT** مرتبط می‌سازد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مدارس به طور معناداری در کارآمدیشان با همدیگر متفاوت هستند که از ۰/۶ تا ۱ متغیر است. در این تحقیق، کارایی کلی مدارس متوسطه با توجه به مدل (CCR)، ۰/۸۳ و با استفاده از مدل (BCC)، ۰/۸۷ برآورد شده است. نتایج مرحله دوم تجزیه و تحلیل نشان داد نسبت رابطه معلم و دانش‌آموز، درصد معلمان داخلی، موجود بودن مراکز مشاوره دانش‌آموزان، ملحق شدن به مدارس خارجی و طبقه بندی دانش‌آموزان نقش بسیار

<sup>۱</sup> . Durasiamy

<sup>۲</sup> . Stupnytskyy

مهمی در عملکرد مدارس داشتند. نتایج DEA با استفاده از مدل جک نایف بسیار محکم و قابل اتکا بودند.

در پژوهشی دیگر عثمان جمادی و کاترین ریس<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۴ در تحقیقی با عنوان «تعیین کارایی نسبی مؤسسات آموزش عالی اروپایی با استفاده از روش DEA» به برآورد کارایی ۲۰۹ مؤسسه آموزش عالی کشورهای اروپایی در طی سه سال تحصیلی منتهی به ۲۰۰۴ پرداخته اند. این دو محقق با مدل توییت به ارزیابی عوامل مؤثر بر کارایی پرداخته اند. تعدادی از دروندادها و بروندادها مورد استفاده در این تحقیق به شرح زیر می باشد.

۱. دروندادها: ویژگی های دانشجویان ورودی (شامل کیفیت و نمره دانشجویان) و تدارکات آموزشی شامل ویژگی های اساتید، مواد و تجهیزات آموزشی، تجهیزات فنی و وضعیت کتابخانه ها و .....

۲. بروندادها: سطح توانایی حرفه ای کسب شده توسط دانشجویان شامل (دانش نظری و میزان آگاهی از روش ها) سطح توانایی عمومی کسب شده به وسیله دانشجویان شامل (میزان آموخته ها، توانایی تفکر و اظهار نظر و تشخیص در کار، توانایی حل مسائل تحلیل شایستگی، میزان معلومات و اندیشه ها)

نتایجی که از این تحقیق به دست آمد، بیانگر آن بود که در بین دانشگاه ها و مؤسسات عالی مورد بررسی، دانشگاه های انگلستان، هلند و اتریش دارای بالاترین کارایی نسبی بوده و دانشگاه های فرانسه و آلمان دارای کارایی نسبی متوسط و دانشگاه های فنلاند، اسپانیا و ایتالیا در پایین ترین سطح کارایی نسبی قرار داشته اند..

پریمونت و دومزلیکی<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) پژوهشی را با عنوان «پیشرفت دانش آموزان و کارایی در مدارس میسوری و لایحه هیچ بچه ای کنار گذاشته نشود» انجام دادند. «لایحه هیچ بچه ای کنار گذاشته نشود» (لایحه «۲۰۰۱») مدارس را ملزم می کند که برنامه پیشرفت

---

<sup>۱</sup> . Othman Joumady and Catherine Ris

<sup>۲</sup> . Primont & Domzlicky

سالانه‌ای برای افزایش موفقیت دانش‌آموزان اتخاذ کنند. این لایحه تأکید بیشتری بر نمرات آزمون‌ها مثل نمرات برنامه ارزیابی میسوری (MAP)، به منظور ارزیابی عملکرد مدرسه‌ها دارد. در این مقاله عملکرد مدارس ایالت میسوری به وسیله اندازه‌گیری کارایی مدارس در ارائه خدمات آموزشی خود با کمک روش تحلیل پوششی داده‌های دو مرحله‌ای بررسی شد. با تأثیر دو مصوبه از لایحه هیچ دانش‌آموزی را نباید کنار گذاشت، عملکرد مدارس ناموفق بررسی شد و نتایج تحقیق نشان داد تأثیر این دو مصوبه بر کارایی مدیریتی مدارس ناموفق، متفاوت بوده است. اگر عملکرد دانش‌آموزان در نتیجه این مصوبه‌ها بهبود یابد احتمال بهبود کارایی مدیریتی بیشتر می‌شود.

لینکوو<sup>۱</sup> نیز در سال ۲۰۰۶، در مقاله‌ای با عنوان «کارایی، برابری و آموزش دختران» به تجزیه و تحلیل استراتژی‌های بانک جهانی در راستای آموزش و پرورش به منظور برابری دو جنس می‌پردازد. در دنیای امروزه کشورهای درحال توسعه با چالش گسترش آموزش و پرورش با منابع محدود روبرو هستند. به عبارتی دیگر توانایی بسط آموزش و پرورش با منابع کم را ندارند. استراتژی‌های مدیریت مناسب به منظور فراهم آوردن آموزش و پرورش کارآمد از بعد اقتصادی مورد نیاز است. خصوصی‌سازی، عدم تمرکزگرایی و مشارکت شهروندان، سه استراتژی هستند که توسط بانک جهانی برای کنترل هزینه‌ها و بهبود آموزش و پرورش تعیین شده است. این مقاله به این نتیجه رسیده است که، مسلماً این استراتژی‌ها باعث افزایش کارایی مدارس آموزش و پرورش می‌شود. ولی ممکن است که این استراتژی‌ها در جهت افزایش کارایی باعث افزایش نابرابری جنسی شوند.

کانروی و آرچیو (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان «تخمین کارایی فنی برای مدارس ابتدایی عمومی در فلوریدا» یک روش تخمین مرز کارایی را برای تحلیل این که آیا مدارس ابتدایی در فلوریدا در یک سطح کارآمد عمل می‌کنند؟ و همچنین برای توضیح از کارایی‌های پایین استفاده کردند. انگیزه آن‌ها از این بررسی، از اقدامات جدید آموزشی در سطح ایالت و فدرال که برای بهبود پاسخگویی مدارس و کاهش اندازه کلاس‌ها به کار

<sup>۱</sup> Lincove



رفته است، نشأت می‌گیرد. نتایج تحقیق نشان داد در حالی که مدارس ابتدایی فلوریدا به طور کارآمدی فعالیت نمی‌کنند، اما نسبت به نتایج منتشر شده از ایالت‌های دیگر بهتر هستند. یکی از عوامل مرتبط با کارایی کم، نرخ قبولی دانش‌آموزان است اما عوامل دیگر که با کارایی کم مرتبط می‌باشند، شاخص‌هایی هستند که به طور کلی خارج از کنترل مدارس عمومی می‌باشند، که مؤثر بودن این اندازه‌گیری‌ها را برای بهبود کارایی مدارس مورد تردید قرار می‌دهد.

در مطالعه دیگری که ورلاگ گمب<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) در زمینه کارایی اینترنت در آموزش عالی انجام داده بود به این نتیجه رسید که عوامل زیان آور و غیر اقتصادی در هدف آموزش دانشجویان فوق لیسانس تا جایی که کیفیت تدریس و تحقیق نگران کننده است، بالا می‌باشد. به نظر این محقق، دلیل اصلی این مسأله توزیع ضعیف امکانات و تسهیلات، معلمان، و کتاب‌ها، همپوشی سیستم مدیریت درونی و همچنین مدل رایج تربیت دانشجویان فوق لیسانس می‌باشد.

برنی و محمد عثمان<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) در مقاله ای به تحلیل و بررسی کارایی سیستم آموزش و پرورش عمومی کشور کویت به شیوه تطبیقی و با استفاده از داده های میدانی پرداخته و شماری از شاخص‌های کارایی که بروندادها را نسبت به درون‌داد های مورد استفاده در تهیه خدمات آموزشی مورد مقایسه قرار می دهند، را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مقاله، به طور کلی از طریق مقایسه با استانداردهای بین المللی، این نتیجه به دست آمد که کارایی سیستم آموزش و پرورش عمومی کشور کویت نسبتاً پایین بوده است. و این نتیجه به علت هزینه های بالای صورت گرفته برای هر دانش آموز در این کشور می باشد. نتایج دیگر به دست آمده از این پژوهش نشان دهنده این است که در این کشور، هزینه نسبتاً پایینی در زمینه کتاب های درسی و مواد آموزشی صورت گرفته، در مقایسه با دیگر کشورها میانگین طول تحصیل پایین بوده، نسبت معلم/ دانش آموز در این کشور پایین بوده، و همچنین نرخ تکرار پایه در کلیه پایه‌های آموزش عمومی این کشور در

---

<sup>1</sup> . Verlag GmbH

<sup>2</sup> . Burney& mohamad osman

مقایسه با دیگر کشورهای مورد مقایسه، بالا بوده است. با این وجود در پایان پژوهش محقق انجام یک مطالعه سیستماتیک به منظور تعیین مقدار صحیح برخی از ویژگی ها و شاخص های اقتصادی این کشور به منظور دستیابی به یک تحلیل همه جانبه را پیشنهاد داده است.

در زمینه کارایی مدارس عمومی، پژوهش های زیادی انجام شده است. یکی از این بررسی ها پژوهشی است که در سال ۲۰۰۹ توسط چاکرابورتی با عنوان کارایی در آموزش و پرورش عمومی - نقش متغیرهای اجتماعی - اقتصادی، انجام شده است. این بررسی کارایی مدارس عمومی ناحیه کانزاس را با استفاده از مدل مرزی تصادفی که از یک تابع تولید آموزشی و یک تابع اثرات ناکارآمدی برای کنترل عوامل اجتماعی - اقتصادی استفاده می کند، اندازه گیری نموده و به این نتیجه دست یافته است که اگرچه میانگین نمرات کارایی به دست آمده از این مدل پایین تر از نمرات کارایی مدل تصادفی می باشد، ولی برآورد به دست آمده قوی و سازگار است. نتایج این مطالعه که از داده های سه سال مدارس این ناحیه به دست آمده است نشان می دهد که به طور کلی و در مجموع مدارس کانزاس کارا هستند و بسیاری از دروندادهای آموزشی تحت کنترل مدیریت مدارس، یا تأثیری بر نمره های عملکرد دانش آموزان نداشته اند و یا میزان این تأثیر پایین بوده است. همچنین نتیجه دیگر حاصل از این مطالعه، تأثیر معنادار عوامل اجتماعی - اقتصادی بر نمرات پیشرفت دانش آموزان است.

### سؤالات پژوهش

سؤال ۱. وضعیت شاخص نرخ ارتقاء به تفکیک پایه، جنسیت و موقعیت جغرافیای در بین دانش آموزان شهرستان اهواز طی سال های ۸۸-۱۳۸۳ چگونه بوده است؟

**سؤال ۲.** وضعیت شاخص نرخ تکرار پایه به تفکیک پایه، جنسیت، موقعیت جغرافیایی و ناحیه در بین دانش آموزان شهرستان اهواز طی سال های ۸۸-۱۳۸۳ چگونه بوده است؟

**سؤال ۳.** وضعیت شاخص نرخ گذر به تفکیک پایه، جنسیت و ناحیه در بین دانش آموزان شهرستان اهواز طی سال های ۸۸-۱۳۸۳ چگونه بوده است؟

۱-۳. نرخ گذر ظاهری و واقعی راهنمایی به دبیرستان دانش آموزان شهرستان اهواز به تفکیک جنسیت طی سال های ۸۸-۱۳۸۳ چه میزان است؟

۲-۳. نرخ گذر ظاهری و واقعی راهنمایی به دبیرستان دانش آموزان شهرستان اهواز به تفکیک ناحیه و جنسیت طی سال های ۸۸-۱۳۸۳ چه میزان است؟

**سؤال ۴.** مدل جریان دانش آموزی دانش آموزان مقطع راهنمایی شهرستان اهواز چگونه است؟

۱-۴. مدل جریان دانش آموزی دانش آموزان مقطع راهنمایی شهرستان اهواز به تفکیک موقعیت جغرافیایی طی سال های ۸۸-۱۳۸۳ چگونه است؟

۲-۴. مدل جریان دانش آموزی دانش آموزان مقطع راهنمایی شهرستان اهواز به تفکیک جنسیت و پایه تحصیلی طی سال های ۸۸-۱۳۸۳ چگونه است؟

## روش پژوهش

### جامعه آماری، نمونه پژوهش و روش نمونه گیری

این تحقیق با توجه به اهداف و ماهیت از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ روش تحقیق، از نوع تحقیقات توصیفی- ارزشیابی و یا توصیفی- تحلیلی می باشد. ویژگی اصلی روش تحقیق توصیفی تلاش برای ارائه توصیف یا تصویری دقیق از موقعیت یا

پدیده ای ویژه است. در این روش پژوهشگران نه تنها سعی در بیان روابط علت و معلولی ندارند، بلکه می کوشند تصویری از متغیرهای موجود و روابط بین آنها را در وضعیتی معین توصیف و تبیین کنند. کریستنسن<sup>۱</sup> (۱۹۴۱)، ترجمه دلاور، ۱۳۸۷: ۶۱-۶۲). از جهت دیگر این تحقیق از این نظر توصیفی - ارزشیابی و یا توصیفی - تحلیلی نامیده می شود که پژوهشگر درصدد است که بعد از جمع آوری داده ها توسط شاخص های در نظر گرفته شده به تحلیل شرایط موجود پرداخته و در پایان به ارزشیابی در مورد کارایی درونی شهرستان اهواز پرداخته شود.

جامعه آماری در این پژوهش، کلیه مدارس مقطع راهنمایی تحصیلی آموزش و پرورش شهرستان اهواز طی سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ می باشد. در این پژوهش به علت ماهیت پژوهش، نمونه گیری صورت نگرفته و کلیه جامعه آماری به عنوان نمونه آماری به صورت سرشماری مورد بررسی قرار گرفته است. برای طبقه بندی داده ها و محاسبه نرخ ها و نسبت ها از آمار توصیفی (درصدها، نسبت ها و فراوانی) و به منظور بررسی و ترسیم الگوی روند دانش آموزی از شاخص های برنامه ریزی آموزشی شامل نرخ ارتقاء، نرخ مردودی، نرخ افت تحصیلی و نرخ گذر استفاده شده است.

### ابزار پژوهش

در این بررسی از ابزارهای الگوی جریان تحصیلی و شاخص های محاسبه آن که شامل نرخ های ارتقاء، تکرار، افت و گذر می باشند استفاده شده است.

### الگوی جریان دانش آموزی

نرخ های ارتقاء، تکرار و ترک تحصیل، ابزارهای کلیدی کارشناسان برنامه ریزی آموزشی، جهت تحلیل جریان دانش آموزان، از یک پایه تحصیلی، به پایه دیگر هستند. اگر

<sup>1</sup>. Christensen

تعداد دانش آموزان پایه  $g$  در سال تحصیلی  $t$  برابر  $E$  باشد، تعدادی از این دانش آموزان ( $p$ ) در سال  $(t+1)$  به پایه بالاتر ( $g+1$ ) ارتقاء خواهند یافت. تعداد دیگری ( $R$ ) به دلیل مردودی، پایه  $g$  را مجدداً تکرار خواهند کرد و بقیه ( $D$ ) از سیستم آموزشی خارج شده و به اصطلاح ترک تحصیل می کنند. پس از محاسبه نرخ های ارتقاء، تکرار و افت تحصیلی (ترک تحصیل) برای پایه های مختلف تحصیلی، مدل جریان دانش آموزی ترسیم می شود. برای بررسی جریان دانش آموزی، تعداد دانش آموزان ورودی در یک سال تحصیلی که وارد پایه اول دوره راهنمایی می شوند، در نظر گرفته می شود.

نرخ ترک تحصیل:

$$D^{tg} = \frac{D^t_g}{E_g} \times 100$$

نرخ گذر:

$$= \frac{E^{t+1}_{g+1} - R^{(t+1)}_{g+1}}{E_g} \times 100$$

نرخ تکرار پایه یا مردودی:

$$r = \frac{r_t + 1^g}{E_t^g} \times 100$$

نرخ ارتقاء یا قبول شدگان:

$$R^{gt} = \frac{P_t + 1^{g+1}}{E_t^g} \times 100$$

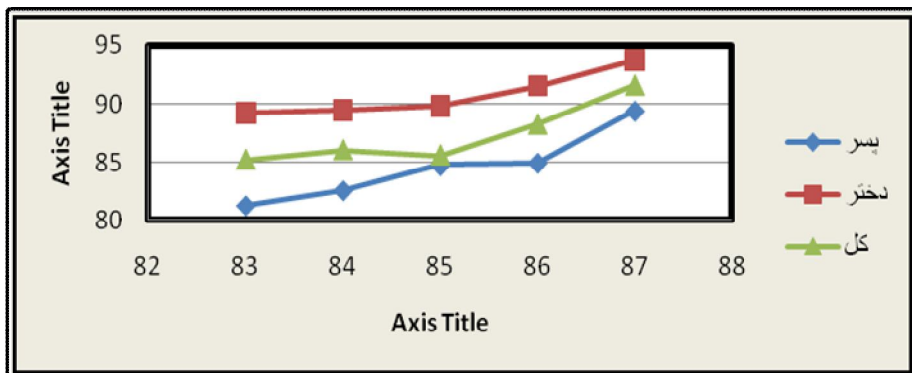
یافته های پژوهش

سؤال ۱. وضعیت شاخص نرخ ارتقاء به تفکیک پایه، جنسیت و موقعیت جغرافیای در بین دانش آموزان شهرستان اهواز طی سال های ۸۸-۱۳۸۳ چگونه بوده است؟

جدول ۱: نرخ ارتقاء دانش آموزان شهرستان اهواز بر حسب جنسیت و پایه تحصیلی طی سال های ۸۸-۸۷

۱۳۸۳

نرخ ارتقاء	جنس / پایه سال تحصیلی	پسر		دختر			کل	
		پایه اول	پایه دوم	پایه سوم	پایه اول	پایه دوم	پایه سوم	پایه اول
۸۳-۸۴	۷۶/۴۱	۸۵/۱۴	۸۲/۳۳	۸۶/۶۰	۹۰/۳۲	۹۰/۷۸	۸۱/۵	۸۷/۷۳
۸۴-۸۵	۷۶/۹۷	۸۶/۴۷	۸۴/۳۶	۸۶/۹۶	۹۱/۱۳	۹۰/۴۶	۸۱/۹۶	۸۸/۸
۸۵-۸۶	۷۶/۷۰	۸۵/۷۳	۸۱/۸۷	۸۷/۰۷	۹۰/۷۶	۹۱/۶۵	۸۱/۸۸	۸۸/۲۵
۸۶-۸۷	۷۸/۰۳	۸۶/۰۳	۹۰/۸۴	۸۹/۱۹	۹۱/۹۳	۹۳/۴۹	۸۳/۶۱	۸۸/۹۸
۸۷-۸۸	۸۲/۷۰	۹۱/۳۷	۹۴/۱۴	۹۲/۳۴	۹۳/۵۶	۹۵/۴۰	۸۷/۵۲	۹۲/۴۹
متوسط عملکرد در برنامه چهارم	۷۸/۱۶	۸۶/۹۵	۸۶/۷۱	۸۸/۴۳	۹۱/۵۴	۹۲/۳۶	۸۳/۳	۸۹/۲۴



نمودار ۱: نرخ ارتقاء دانش‌آموزان شهرستان اهواز بر حسب جنسیت طی سال‌های ۸۸-۱۳۸۳

نتایج حاصل از جدول ۱ نشان می‌دهد که در شهرستان اهواز در مقطع راهنمایی، همواره طی سال‌های برنامه توسعه چهارم، نرخ ارتقاء در بین دانش‌آموزان دختر بیشتر از دانش‌آموزان پسر بوده است و این اختلاف در طول سال‌های ۸۳ تا ۸۸ همچنان باقی مانده است. به صورتی که متوسط نرخ ارتقاء در برنامه چهارم، در بین دانش‌آموزان پسر پایه اول، ۷۸/۱۶ درصد و در بین دانش‌آموزان دختر، ۸۸/۴۳ درصد بوده است. همچنین متوسط عملکرد نرخ ارتقاء در بین دانش‌آموزان پسر پایه دوم و سوم ۸۶/۹۵ و ۸۶/۷۱ درصد و متوسط عملکرد این نرخ در بین دانش‌آموزان دختر همین پایه‌ها ۹۱/۵۴ و ۹۲/۳۶ درصد است. همچنین به صورت کلی، در کلیه پایه‌های دوره راهنمایی در طی ۵ سال برنامه چهارم توسعه، اختلاف بین نرخ ارتقاء دختران و پسران، ۶/۸۳ درصد به سود دختران بوده است. متوسط نرخ ارتقاء در سه پایه برای دختران ۹۰/۷۷ درصد و برای پسران ۸۳/۹۴ درصد بوده است که نشان‌دهنده عملکرد بهتر دانش‌آموزان دختر شهرستان اهواز طی برنامه چهارم توسعه بوده است.

..جدول ۱: نرخ ارتقاء دانش آموزان شهرستان اهواز برحسب موقعیت جغرافیایی طی سال های

۸۸-۱۳۸۳

موقعیت سال تحصیلی	شهری			روستایی		متوسط عملکرد کل پایه ها		
	پایه اول	پایه دوم	پایه سوم	پایه اول	پایه دوم	شهری	روستایی	کل
۱۳۸۳-۸۴	۸۵/۶۶	۹۰/۰۱	۹۰/۸۳	۷۷/۳۴	۸۵/۴۵	۸۲/۲۸	۸۸/۸۳	۸۵/۲۶
۱۳۸۴-۸۵	۸۶/۵۹	۹۱/۰۹	۹۱/۳۱	۷۷/۳۴	۸۵/۶۹	۸۳/۵۲	۸۹/۹۳	۸۶/۰۶
۱۳۸۵-۸۶	۸۷/۰۵	۹۲/۱۸	۹۱/۶۹	۷۶/۷۲	۸۴/۳۱	۸۱/۸۲	۹۰/۳	۸۵/۶۳
۱۳۸۶-۸۷	۸۸/۲۹	۹۲/۲۶	۹۴/۴۲	۷۸/۹۳	۸۵/۷	۸۹/۹۱	۹۱/۶۵	۸۸/۲۵
۱۳۸۷-۸۸	۹۱/۰۹	۹۳/۸۴	۹۶/۴۶	۸۷/۹۵	۹۱/۰۸	۹۳/۰۸	۹۳/۷۹	۹۱/۵۸
متوسط عملکرد در برنامه چهارم	۸۷/۷۳	۹۲/۰۴	۹۲/۹۴	۷۸/۸۶	۸۶/۴۵	۸۶/۱۲	۹۰/۹	۸۷/۳۶

جدول ۲، نشان می‌دهد که نرخ ارتقاء مقطع راهنمایی شهرستان اهواز طی دوره ۵ ساله برنامه چهارم توسعه در مناطق شهری به طور متوسط ۹۰/۹ درصد و متوسط این نرخ در بین دانش‌آموزان مناطق روستایی این شهرستان ۸۳/۸۱ درصد می‌باشد. همان طور که ملاحظه می‌شود در طول برنامه چهارم توسعه، عملکرد دانش‌آموزان شهری همواره نسبت به دانش‌آموزان روستایی در سطح بهتری بوده است. این اختلاف در زمینه عملکرد و ارتقاء به پایه‌های بالاتر تا میانه‌های برنامه روند صعودی داشته است به گونه‌ای که در سال



تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵، بیشترین حد اختلاف یعنی تفاوتی در حدود ۹/۳۵ درصد بین دانش‌آموزان شهری و روستایی دیده می‌شود. نرخ ارتقاء در این سال برای دانش‌آموزان شهری، ۳/۹۰ درصد و برای دانش‌آموزان روستایی ۹۵/۸۰ درصد بوده است. ولی توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که اختلاف عملکرد ارتقاء دانش‌آموزان شهری و روستایی در شهرستان اهواز از میانه‌های برنامه یعنی از سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ به بعد روند نزولی داشته؛ به گونه‌ای که در پایان برنامه چهارم توسعه این اختلاف به ۴/۴۲ درصد رسیده که نشان‌دهنده روند رشد دانش‌آموزان روستایی می‌باشد. نکته ای که در اینجا توجه به آن از اهمیت بالایی برخوردار است، این است که هم در دانش‌آموزان شهری و هم در دانش‌آموزان روستایی، ضعیف‌ترین عملکرد در قبولی یا همان نرخ ارتقاء مربوط به پایه اول می باشد همچنین نتایج حاصل از نرخ ارتقاء نواحی ۴ گانه شهرستان اهواز نشان می‌دهد که در بین نواحی چهارگانه شهرستان اهواز متوسط عملکرد نرخ ارتقاء ناحیه ۱(یک) با ۲۵/۹۰ درصد از دیگر نواحی وضعیت بهتری داشته است. همچنین با اینکه ضعیف‌ترین عملکرد در بین این ۴ ناحیه مربوط به ناحیه ۲ (دو) با نرخ ارتقاء ۶/۸۴ درصد می‌باشد ولی در مجموع، این ناحیه نسبت به نواحی دیگر از روند صعودی بهتری برخوردار بوده است؛ به گونه‌ای که از نرخ ارتقاء ۱۲/۸۰ درصدی در سال ۸۴-۸۳ به نرخ ۳۲/۹۱ درصدی در آخرین سال برنامه چهارم توسعه (۸۸-۸۷) رسیده است. یعنی این ناحیه در طول این برنامه تقریباً ۲/۱۱ درصد رشد داشته است. متوسط نرخ ارتقاء ناحیه ۳ (سه) ۸۸/۸۸ درصد و ناحیه ۴ (چهار) ۶۹/۸۵ درصد می‌باشد.

سؤال ۲. وضعیت شاخص نرخ تکرار پایه به تفکیک پایه، جنسیت، موقعیت

جغرافیایی و ناحیه در بین دانش‌آموزان شهرستان اهواز طی سال های ۸۸-۱۳۸۳ چگونه بوده است؟

جدول ۳: نرخ تکرار پایه دانش آموزان شهرستان اهواز به تفکیک جنسیت و پایه طی سال های ۸۸-

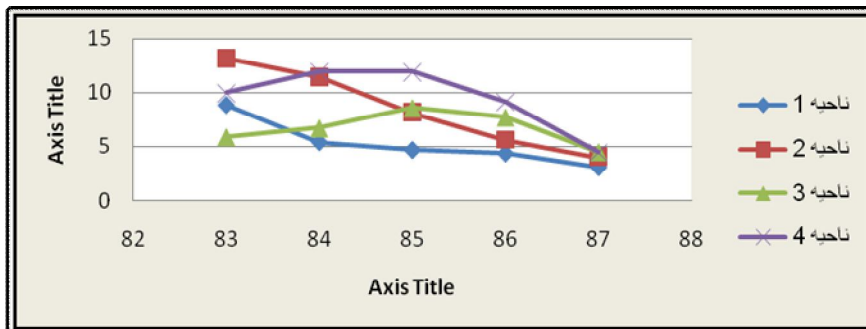
۱۳۸۳

نرخ	جنس / پایه سال تحصیلی	پسر			دختر			کل		
		پایه اول	پایه دوم	پایه سوم	پایه اول	پایه دوم	پایه سوم	پایه اول	پایه دوم	پایه سوم
تکرار (مردودی)	۸۳-۸۴	۱۸/۵۹	۱۰/۱۱	۱۳/۲۶	۶/۹۲	۳/۵۷	۴/۲۷	۱۲/۷۶	۸/۵۱	۸/۷۶
	۸۴-۸۵	۱۷/۲	۹/۵۹	۱۱/۲۸	۷/۴۶	۲/۹۶	۴/۶۷	۱۲/۳۳	۸/۵۳	۷/۹۷
	۸۵-۸۶	۱۵/۷۳	۹/۴۲	۱۳/۰۸	۵/۷۴	۲/۵۶	۳/۴۶	۱۰/۷۳	۷/۵۸	۸/۲۷
	۸۶-۸۷	۱۵/۴۱	۸/۲۵	۵/۴۷	۵/۶۶	۴/۰۶	۲/۴۵	۱۰/۵۴	۶/۹۶	۳/۹۶
	۸۷-۸۸	۱۱/۱	۴/۲۴	۲/۲۲	۳/۵۹	۱/۸۷	۰/۹۶	۷/۳۵	۳/۹۲	۱/۵۹
	متوسط عملکرد در برنامه چهارم	۱۵/۶۱	۸/۳۲	۹/۰۶	۵/۸۷	۳	۳/۱۶	۱۰/۷۴	۷/۱	۶/۱۱

نتایج مشاهده شده از جدول ۳، حاکی از این است که میزان نرخ تکرار پایه یا مردودی در طول برنامه توسعه چهارم در دوره راهنمایی، همواره در بین دانش آموزان پسر بیشتر از دانش آموزان دختر بوده است؛ به گونه ای که متوسط این نرخ در بین دانش آموزان پسر در طی این برنامه تقریباً ۱۱ درصد، در حالی که متوسط این نرخ در بین دانش آموزان دختر ۳/۹۸ درصد بوده است. به عبارتی نرخ تکرار در بین پسران دوره راهنمایی شهرستان

اهواز حدود سه برابر بیشتر از این نرخ در بین دانش‌آموزان دختر بوده است. توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که میزان این نرخ، نشان‌دهنده این است که یعنی از هر ۱۰۰ دانش‌آموز پسر در این دوره حدود ۱۱ دانش‌آموز دوباره پایه خود را تکرار کرده‌اند. همچنین باید توجه کرد که در بین دانش‌آموزان پسر و دختر، بیشترین نرخ تکرار پایه مربوط به پایه اول بوده؛ به گونه‌ای که این نرخ برای پسران ۱۵/۶۱ درصد و برای دختران ۵/۸۷ درصد بوده است.

همچنین بر اساس نتایج به دست آمده از نرخ تکرار پایه در شهرستان اهواز بر حسب موقعیت جغرافیایی، مشاهده شده است که متوسط عملکرد دانش‌آموزان روستایی در این نرخ ۹/۵۱ درصد و متوسط همین نرخ در بین دانش‌آموزان شهری، ۵/۶۷ درصد است. این نتیجه نشان‌دهنده این نکته است که نرخ تکرار پایه در بین دانش‌آموزان روستایی در طول برنامه چهارم توسعه در شهرستان اهواز، بیشتر از دانش‌آموزان شهری است. به گونه‌ای که در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ به عنوان سال شروع برنامه چهارم این نرخ در بین دانش‌آموزان شهری، ۷/۵۸ درصد و در بین دانش‌آموزان روستایی ۱۱/۳۴ درصد بوده است و در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ به عنوان سال آخر این برنامه میزان این نرخ، در بین دانش‌آموزان شهری و روستایی به ترتیب ۳/۱۶ درصد و ۴/۸۴ درصد بوده است. به این معنا که اختلاف ۳/۸۴ درصدی بین دانش‌آموزان شهری و روستایی در سال اول برنامه در این شهرستان، به اختلاف ۱/۶۸ درصدی در سال آخر برنامه چهارم توسعه رسیده است که نشان‌دهنده توجه به مقدار این شاخص بوده است. همچنین می‌توان سال آخر برنامه یعنی سال تحصیلی ۸۸-۸۷ را بهترین سال از لحاظ عملکرد در زمینه کاهش نرخ تکرار پایه در بین دانش‌آموزان روستایی دانست.



نمودار ۲: نرخ تکرار پایه دانش آموزان شهرستان اهواز به تفکیک ناحیه طی سال های ۸۸-۱۳۸۳

از سویی دیگر، نتایج حاصل از مقایسه تطبیقی نواحی چهارگانه شهرستان اهواز در زمینه عملکرد نرخ تکرار پایه در کلیه پایه‌های مقطع دوره راهنمایی در جدول بالا، نشان‌دهنده این است که در بین نواحی این شهرستان، بهترین عملکرد در این زمینه مربوط به ناحیه یک (۱) با متوسط نرخ تکرار پایه ۵/۲۸ درصد؛ و ضعیف‌ترین عملکرد در طول این برنامه به ناحیه چهار (۴) با میانگین نرخ تکرار ۹/۴۷ درصد است. همچنین متوسط عملکرد نواحی دو (۲) و سه (۳) در طول برنامه ۵ ساله توسعه چهارم در نرخ تکرار پایه به ترتیب ۸/۴۶ و ۶/۶۶ درصد می باشد.

سؤال ۳. وضعیت شاخص نرخ گذر به تفکیک پایه، جنسیت و ناحیه در بین

دانش آموزان شهرستان اهواز طی سال های ۸۸-۱۳۸۳ چگونه بوده است؟

۱-۳. نرخ گذر ظاهری و واقعی راهنمایی به دبیرستان دانش آموزان شهرستان اهواز به

تفکیک جنسیت طی سال های ۸۸-۱۳۸۳ چه میزان است؟

جدول ۴: نرخ گذر راهنمایی به دبیرستان دانش‌آموزان شهرستان اهواز به تفکیک جنسیت

جنس	پسر		دختر		نرخ گذر واقعی	سال تحصیلی
	تعداد دانش‌آموزان اول دبیرستان	تعداد قبول شدگان سوم راهنمایی	تعداد دانش‌آموزان اول دبیرستان	تعداد قیو شدگان سوم راهنمایی		
۸۳-۸۴	۱۲۷۵۱	۱۵۵۶۶	۱۳۴۳۶	۱۱۲۷۷	۸۰/۵۷	۹۱/۷۴
۸۴-۸۵	۱۱۹۵۷	۱۵۱۶۷	۱۲۷۴۵	۱۰۸۷۰	۸۳/۷۲	۹۰/۲۸
۸۵-۸۶	۱۱۳۷۱	۱۴۷۸۷	۱۲۶۴۶	۱۰۲۰۰	۵۷/۸۳	۹۵/۴۶
۸۶-۸۷	۱۲۲۲۶	۱۴۱۴۸	۱۱۹۲۵	۱۰۲۲۸	۷۶/۳۸	۸۹/۷۸
۸۷-۸۸	۱۱۲۵۴	۱۳۰۰۲	۱۱۰۲۵	۹۷۱۲	۷۶/۲۵	۸۷/۴۱
مجموع	۱۱۹۱۲	۱۴۵۳۴	۱۲۳۵۵	۱۰۴۵۷	۸۰/۵۵	۹۰/۹۳

محاسبه نرخ گذر ظاهری دانش‌آموزان پایه سوم نشان‌دهنده این مطلب می‌باشد که به طور کلی میزان عبور و گذر از مقطع راهنمایی به اول دبیرستان در کل شهرستان (هر دو جنس) ۱۲۰ درصد است. همچنین با وجود اختلاف ناچیز و کم، به طور کلی میزان این

نرخ برای دانش‌آموزان پسر بیشتر از دانش‌آموزان دختر این شهرستان بوده است. نرخ گذر برای دانش‌آموزان پسر ۱۲۲ درصد و برای دانش‌آموزان دختر ۱۱۹ درصد می باشد که نشان‌دهنده این است که به میزان ۳ درصد دانش‌آموزان پسر بیشتری به پایه اول دبیرستان راه یافته‌اند. بیشترین میزان این نرخ در کل برنامه به طور مشترک برای هر دو جنس مربوط به سال تحصیلی ۸۵-۸۶ و کمترین میزان نرخ گذر ظاهری مربوط به سال ۸۶-۸۷ می باشد. از سویی دیگر، محاسبه نرخ گذر واقعی که در آن، از تعداد کل دانش‌آموزان، تعداد مردودین کسر می شود و از اهمیت بالایی نسبت به نرخ گذر ظاهری برخوردار می-شود، نشان می‌دهد که میزان عبور از مقطع راهنمایی به دبیرستان در بین دانش‌آموز دختر بیشتر از پسران است و این برخلاف نتیجه به دست آمده از محاسبه نرخ گذر ظاهری می باشد. این نتیجه معکوس ممکن است به دلیل وجود بالای مردودین در بین پسران در پایه اول دبیرستان باشد. براساس محاسبات به دست آمده توسط این شاخص، اختلاف نرخ گذر برای دو جنس ۹/۶۳ درصد به سود دختران این شهرستان می باشد، به عبارتی دیگر در شهرستان اهواز به میزان تقریباً ۱۰(ده) درصد دانش‌آموزان دختر نسبت به دانش‌آموزان پسر در ورود به مقطع دبیرستان، عملکرد بهتری داشته‌اند. میزان نرخ گذر واقعی برای دانش‌آموزان دختر ۹۰/۹۳ درصد و برای دانش‌آموزان پسر ۸۰/۵۵ درصد می‌باشد.

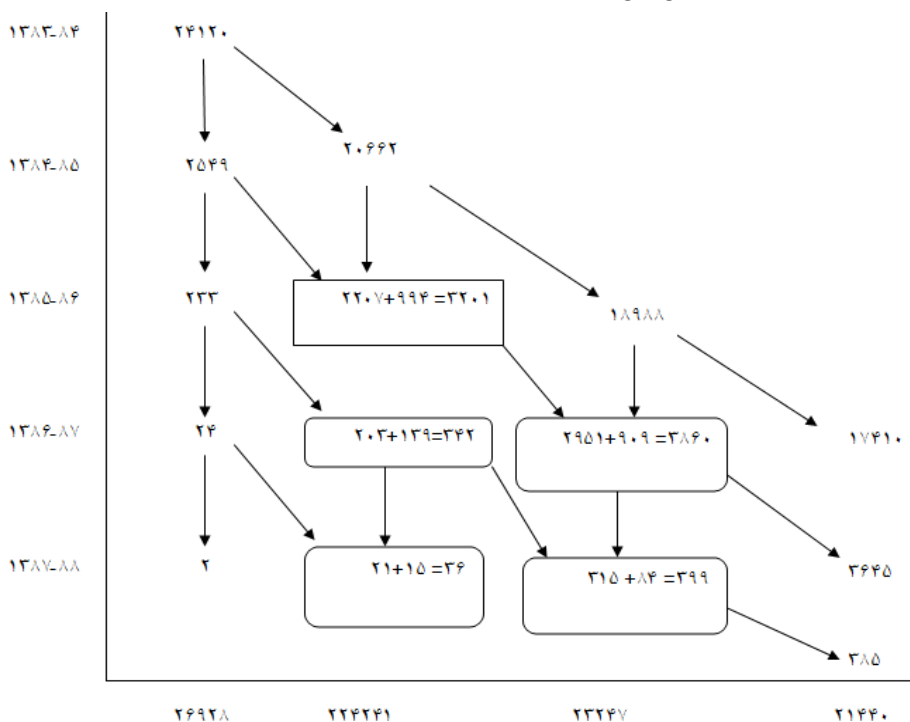
۲-۳. نرخ گذر ظاهری و واقعی راهنمایی به دبیرستان دانش‌آموزان شهرستان اهواز به تفکیک ناحیه طی سال‌های ۸۸-۱۳۸۳ چه میزان است؟

نتایج به دست آمده از محاسبات نرخ گذرظاهری و واقعی در هریک از نواحی شهرستان اهواز به دست آمده است نشان می‌دهد که به طور کلی عملکرد نواحی یک و سه در این شاخص نسبت به دیگر نواحی بهتر بوده است ولی با اختلاف ناچیزی، ناحیه یک بهتر عمل کرده است. به گونه‌ای که متوسط نرخ ظاهری و واقعی نرخ گذر برای این ناحیه در طول برنامه چهارم به ترتیب ۱/۲۴ و ۸۸/ می باشد. که نشان‌دهنده آن است که در طول این پنج سال، ۸۸ درصد از دانش‌آموزان این ناحیه توانسته اند با موفقیت وارد مقطع

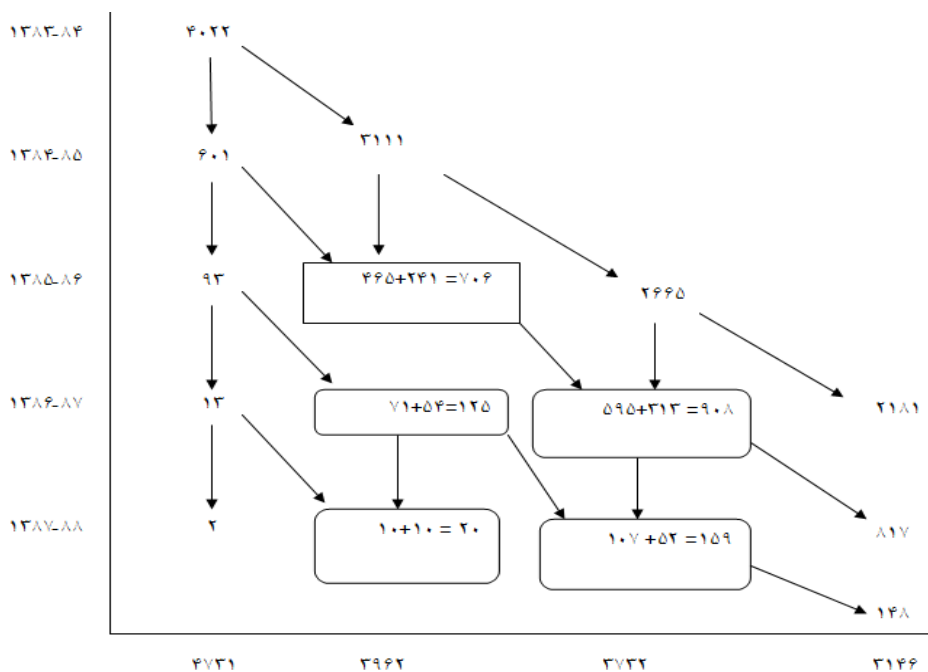
دبیرستان شوند. همچنین میزان این دو شاخص برای ناحیه سه این شهرستان به ترتیب ۱/۲۳ و ۰/۸۷ می اشد.

سؤال ۴. مدل جریان دانش آموزی دانش آموزان مقطع راهنمایی شهرستان اهواز چگونه است؟

۴-۱. مدل جریان دانش آموزی دانش آموزان مقطع راهنمایی شهرستان اهواز به تفکیک موقعیت جغرافیایی طی سال های ۸۸-۱۳۸۳ چگونه است؟



نمودار ۳: مدل جریان تحصیلی دانش آموزان شهری شهرستان اهواز طی سال های ۸۸-۱۳۸۳



نمودار ۴: مدل جریان تحصیلی دانش آموزان روستایی شهرستان اهواز طی سال های ۸۸-۱۳۸۳

نتایج به دست آمده از مدل جریان تحصیلی مخصوص دانش آموزان مناطق شهری اهواز در نمودار ۳ نشان می دهد که از ۲۴۱۲۰ دانش آموز شهری که در سال ۸۴-۸۳ در پایه اول راهنمایی ثبت نام نموده اند، در پایان ۵ سال برنامه چهارم توسعه، ۲۱۴۴۰ دانش آموز در مجموع توانسته اند دوره راهنمایی را به پایان برسانند. ولی نکته مهمی که باید در نظر گرفته شود این است که چه تعداد از این دانش آموزان ثبت نامی توانسته اند بدون تکرار پایه این دوره را در حالت ایده آل یعنی همان سه سال به پایان برسانند؟ از بررسی نمودار بالا مشخص می شود که تعداد ۱۷۴۱۰ دانش آموز از کلیه دانش آموزان شهری توانسته اند بدون تکرار پایه و در ۳ سال در نظر گرفته شده این دوره را به پایان رسانند. به عبارتی ۷۱ درصد از دانش آموزان ثبت نامی بدون اتلاف هزینه و به صورت مستقیم موفق به گذر از این دوره شده اند. همچنین ۱۸ درصد (۳۶۴۵ دانش آموز) از کل دانش آموزان شهری، این دوره را در ۴ سال و ۲ درصد (۳۸۵ دانش آموز) از آنها این دوره را در ۵ سال به پایان

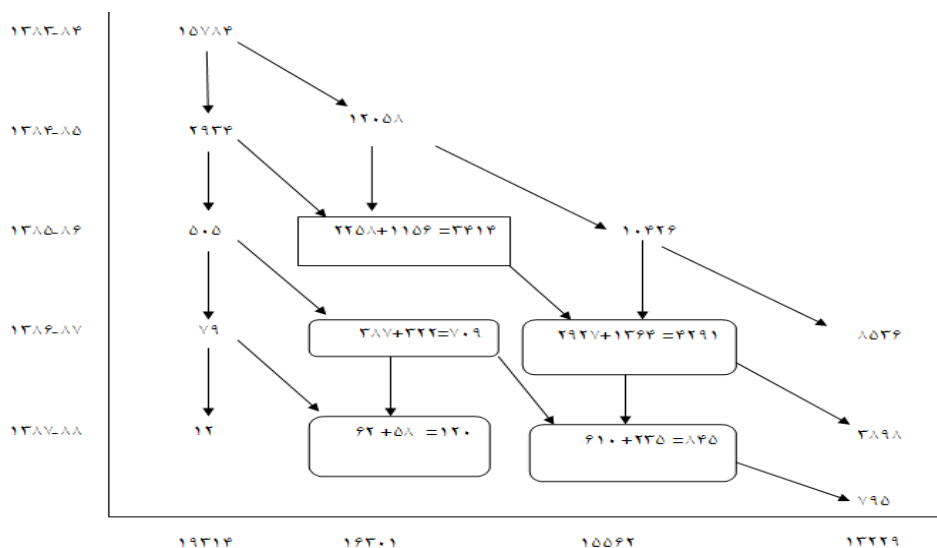


رسانده‌اند. همچنین با توجه به مدل جریان تحصیلی دانش‌آموزان روستایی مشخص می‌شود که در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ تعداد ۴۰۲۲ دانش‌آموز در پایه اول راهنمایی ثبت‌نام کرده‌اند و در طول ۵ سال تا سال ۸۳- از این تعداد ۳۱۴۶ دانش‌آموز در مجموع توانسته‌اند این دوره را به پایان برسانند. همچنین از بررسی جریان تحصیلی دانش‌آموزان روستایی این نتیجه به دست می‌آید که در طول این ۵ سال، تنها ۲۱۸۱ دانش‌آموز روستایی توانسته‌اند بدون تکرار و مستقیم یعنی در طول سه سال دوره راهنمایی را پشت‌سر گذارند. به عبارت دیگر از کلیه دانش‌آموزان ثبت‌نامی روستایی در سال ۸۴-۸۳، ۵۴ درصد از آن‌ها موفق به اتمام این دوره در مدت سه سال شده‌اند. همچنین ۲۶ درصد (۸۱۷ دانش‌آموز) از کل دانش‌آموختگان روستایی این دوره، دانش‌آموزانی بوده‌اند که این دوره را در مدت ۴ سال یعنی با تأخیر یک ساله نسبت به حالت ایده‌آل و ۵ درصد (۱۴۸ دانش‌آموز) از دانش‌آموختگان کسانی بوده‌اند که این دوره را در مدت ۵ سال به پایان رسانده‌اند.

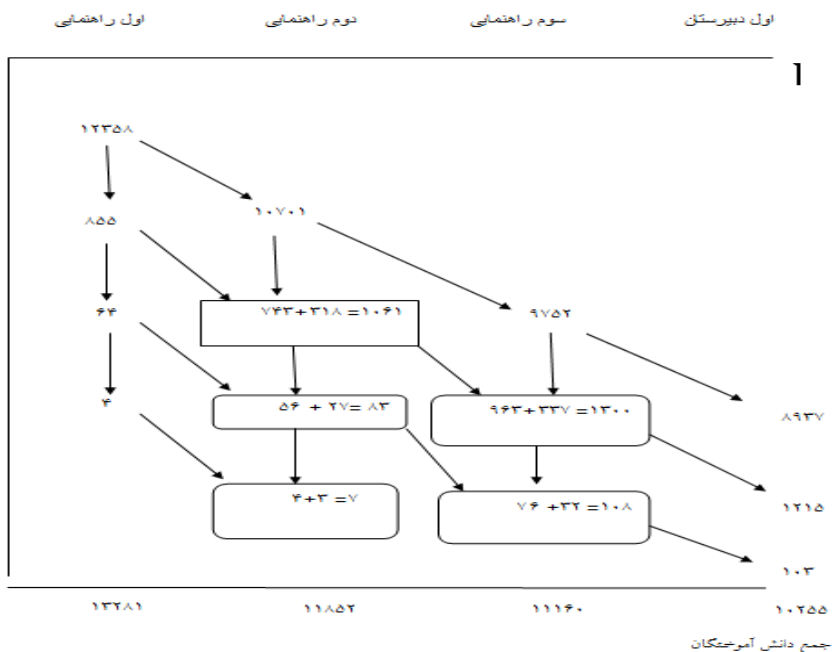
مقایسه مدل جریان تحصیلی دانش‌آموزان این دو موقعیت (شهری و روستایی) بیانگر این مطلب است که به طور کلی عملکرد دانش‌آموزان شهری در مقایسه با دانش‌آموزان روستایی وضعیت مطلوب‌تری داشته‌است. به گونه‌ای که در مناطق شهری ۸۸/۹ درصد از دانش‌آموزان توانسته‌اند دوره راهنمایی را به پایان رسانند و در مناطق روستایی این شهرستان در طول این برنامه، ۷۸/۲ درصد از دانش‌آموزان موفق به عبور از این پایه شده‌اند. در نتیجه به نظر می‌رسد که برای افزایش کارایی دوره راهنمایی، باید توجه ویژه و خاصی نسبت به مناطق روستایی صورت گیرد و سعی شود نسبت به پیشرفت دانش‌آموزان مناطق روستایی تا پایان تحصیلات، اقدامات اساسی انجام پذیرد.

۲-۴. مدل جریان دانش‌آموزی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی شهرستان اهواز به

تفکیک جنسیت و پایه تحصیلی طی سال‌های ۸۸-۱۳۸۳ چگونه است؟



نمودار ۵: مدل جریان تحصیلی دانش آموزان پسر شهرستان اهواز طی سال های ۱۳۸۳-۸۸



نمودار ۶: مدل جریان تحصیلی دانش آموزان دختر شهرستان اهواز طی سال های ۱۳۸۳-۸۸

همان‌طور که در نمودار ۵ (مدل جریان تحصیل دانش‌آموزان پسر) مشاهده می‌شود، از بین ۱۵۷۸۴ دانش‌آموز پایه اول پسری که در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ وارد مدرسه شده‌اند، در پایان برنامه چهارم توسعه، ۱۳۲۹۹ دانش‌آموز این دوره را به پایان رسانده‌اند. به عبارتی دیگر از بین کلیه دانش‌آموزان ثبت‌نامی در سال پایه، ۸۴/۲۵ درصد توانسته‌اند به مقطع بعدی راه پیدا کنند. ولی تنها ۵۴ درصد از این دانش‌آموزان موفق به اتمام دوره راهنمایی در سه سال شده‌اند و ۳۰/۲۵ درصد باقیمانده، این دوره را در ۴ و یا ۵ سال پشت سر گذاشته‌اند.

همچنین بررسی روند تحصیل در بین دانش‌آموزان دختر نشان می‌دهد که ۸۲/۹۸ درصد از دانش‌آموزانی که در پایه اول در سال پایه شرکت کرده‌اند توانسته‌اند با موفقیت به دوره بعد راه پیدا کنند. از بین دانش‌آموزان ۷۲/۳۲ درصد توانسته‌اند به صورت مستقیم یعنی در حالت ایده‌آل که ۳ سال می‌باشد به پایه اول دبیرستان راه پیدا کنند و تنها ۱۰ درصد از دانش‌آموز دختر به مدت ۴ سال یعنی با یک سال بیشتر نسبت به حالت مطلوب، و کمتر از یک (۱) درصد این دوره را در ۵ سال گذرانده‌اند. لذا با مقایسه تطبیقی این دو جنس متوجه این نکته می‌شویم که با آنکه میزان دانش‌آموزانی پسری که توانسته‌اند در مجموع دوره راهنمایی را پشت سر گذارند (۸۴/۲۵ درصد) از دانش‌آموزان دختر بیشتر بوده است (۸۲/۹۸ درصد)؛ ولی نکته مهم و قابل توجه این است که در بین این دو جنس، دانش‌آموزان دختر در عبور از این دوره به صورت مستقیم و بدون اتلاف (در مدت سه سال)، نسبت به دانش‌آموزان پسر عملکرد بهتر و مطلوبتری داشته‌اند. به صورتی که دانش‌آموزان دختر به میزان ۱۸ درصد بیشتر از پسران توانسته‌اند که در حالت ایده‌آل دوره راهنمایی را به پایان رسانند. ولی نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد و سؤالی که باید جواب داده شود این است که چرا با وجود این درصد بالا؛ در مجموع تعداد دانش‌آموزان دختر نسبت به پسر کمتر است؟

به طور کلی نتایج به دست آمده از مدل جریان تحصیلی دانش‌آموزان شهرستان اهواز نشان دهنده این مطلب است که در طی سال‌های اجرای برنامه پنج‌ساله چهارم، از کل دانش‌آموزان ورودی به پایه اول در سال ۸۳-۸۴ (۲۸۱۴۲)، ۲۳۷۲۴ نفر در مجموع

توانسته اند این دوره را به پایان برسانند و تعداد ۴۴۱۸ نفر موفق به پایان این دوره نشده‌اند یا به عبارتی از ادامه تحصیل بازمانده‌اند. همچنین نتیجه دیگری که می‌توان از این مدل به دست آورد این است که در طول این ۵ سال، تعداد دانش‌آموزانی که توانسته‌اند مستقیم و بدون تکرار پایه این دوره سه ساله راهنمایی را به پایان برسانند، ۱۷۶۷۰ دانش‌آموز بوده‌اند، ضمناً دانش‌آموزانی که در طول ۴ سال و ۵ سال این دوره سه ساله را به پایان رسانده‌اند به ترتیب ۵۲۶۱ و ۷۹۳ نفر بوده‌اند.

### نتیجه گیری

گسترش کرامت و کفایت انسانی، ظرفیت‌سازی و توانمندسازی نیروی انسانی بخش دولتی، افزایش کارآمدی و اثربخشی فعالیت‌ها، توسعه مهارت‌ها و گسترش دانش شغلی کارکنان متناسب با نیازهای رو به رشد، زمانی حاصل می‌شود که هر سازمان با تنظیم برنامه آموزش و بهسازی، نیازهای توسعه‌ای را در سطح فرد، شغل و سازمان با توجه به دو اصل استمرار و جامعیت آموزش‌ها تهیه و تدوین نماید و از تمام ظرفیت‌ها در جهت پیاده‌سازی بهینه آن استفاده برد. قانون برنامه چهارم توسعه به منظور دستیابی کشور به شاخص‌های مطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در قالب سند چشم‌انداز بلند مدت (۲۰ ساله) جمهوری اسلامی در سال ۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و متعاقباً ابلاغ شد. مفاد ۵۲ این قانون بیش از مواد دیگر مستقیماً به تکلیف آموزش و پرورش در زمینه توسعه پرداخته و به استناد آن سند ملی توسعه آموزش و پرورش در برنامه چهارم، توسط شورای برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش تدوین و ابلاغ شده است. تردیدی نیست که مسیر اصلی و بنیان توسعه پایدار کشور، استقرار نظام آموزش و پرورش پویا و اثربخش است. اما این سؤال مطرح است که چگونه می‌توان یک نظام آموزشی کارآمد را مشخص نمود و وضعیت آن نظام را بهبود بخشید. پاسخ به سؤال بالا ضرورت انجام این تحقیق را فراهم ساخت.

همانطور که مشاهده شد، همواره طی سال‌های برنامه توسعه چهارم، نرخ ارتقاء در بین دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی بیشتر از دانش‌آموزان پسر این دوره تحصیلی در

شهرستان اهواز بوده است. این اختلاف در طول ۵ سال برنامه همچنان باقی مانده است. این یافته با یافته های تحقیقات ممبینی (۱۳۷۴) و سالمی (۱۳۷۶) هم جهت و هم سو بوده است. متوسط عملکرد دختران طی سال های ۸۳ تا ۸۸ از پایه اول تا سوم روند صعودی و رو به رشدی داشته است، ولی دانش آموزان پسر روند ثابتی را طی نکرده اند. به عبارتی دیگر یک روند خطی را پشت سر گذاشته اند و در برخی سال ها، نرخ ارتقاء بالا و در برخی سال ها پایین بوده است.

همچنین در طول برنامه چهارم توسعه، عملکرد دانش آموزان شهری همواره نسبت به دانش آموزان روستایی در سطح بهتری بوده است و این برخلاف نتایج به دست آمده توسط ممبینی در سال ۷۴ می باشد. و قطعاً تفاوت نتیجه این دو پژوهش ممکن است به دلیل جامعه آماری مربوط به تحقیق باشد که در تحقیق ممبینی کلیه مدارس دبیرستان مورد تحلیل قرار گرفته است و همچنین این دو تحقیق در دو مقطع متفاوت و در شرایط کاملاً متفاوت صورت گرفته اند. قابل توجه است که نتیجه به دست آمده توسط ممبینی تقریباً عکس کلیه تحقیق های صورت گرفته در این زمینه می باشد، در جهتی دیگر، این یافته پژوهش با یافته های کاتروی و آرجیو (۲۰۰۸) و جی انکیوب (۲۰۰۴) هم سو و هم جهت می باشد. ولی توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که اختلاف عملکرد ارتقاء دانش آموزان شهری و روستایی در شهرستان اهواز از میانه سال های برنامه چهارم یعنی از سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ به بعد روند نزولی داشته است؛ به گونه ای که در پایان برنامه چهارم توسعه این اختلاف به ۴/۴۲ درصد رسیده است. که ممکن است به دلیل توجه مسئولان به مناطق روستایی، افزایش امکانات آموزشی، رفاهی و تسهیلاتی در روستاها باشد که باعث شده است که از سال های این برنامه به طرف سال های پایانی به مرور زمان اختلاف بین دانش آموزان مناطق شهری و روستایی در شاخص قبولی کاهش یافته است

یکی دیگر از یافته های پژوهش این بود که جمعیت دانش آموزی در پایه سوم راهنمایی در طول این ۵ سال روند نزولی داشته و هر چه از سال تحصیلی ۸۴-۸۳ به سمت سال های پایانی برنامه نزدیک می شویم، از تعداد دانش آموزان کاسته می شود که البته ممکن است به دلیل کم تر شدن جمعیت لازم التعلیم در سال های اخیر باشد. با این

وجود باید به این نکته نیز توجه کرد که به طور متوسط در طول این پنج سال تعداد دانش آموزان پسر این شهرستان از تعداد دانش آموزان دختر بیشتر بوده است که ممکن است به دلیل وجود افت تحصیلی بیشتر در پایه های قبلی در بین دانش آموزان دختر باشد و این یافته و علت احتمالی با نتیجه بررسی ویسی (۱۳۸۷)، مبنی بر اینکه در طول برنامه های توسعه دوم و سوم، میزان افت تحصیل دانش آموزان دختر نسبت به پسران بیشتر بوده است، هم سو و هم جهت می باشد.

مقایسه مدل جریان تحصیلی دانش آموزان دو موقعیت (شهری و روستایی) این شهرستان بیانگر این مطلب است که به طور کلی عملکرد دانش آموزان شهری در مقایسه با دانش آموزان روستایی وضعیت مطلوب تری داشته است. به گونه ای که در مناطق شهری ۸۸/۹ درصد از دانش آموزان توانسته اند دوره راهنمایی را به پایان رسانند و این در حالی است که در مناطق روستایی این شهرستان در طول این برنامه، ۷۸/۲ درصد از دانش آموزان موفق به عبور از این پایه شده اند، این یافته با یافته پژوهش های صورت گرفته توسط معروفی (۱۳۷۹) و سالمی (۱۳۷۶) در یک راستا است. تفاوت تحقیق حاضر با پژوهش صورت گرفته توسط معروفی در جامعه آماری پژوهش است. به صورتی که تحقیق حاضر در مقطع راهنمایی و تحقیق معروفی در مقطع متوسطه صورت گرفته است. ولی پژوهش سالمی نیز در مقطع راهنمایی صورت گرفته است.

از بعد دیگر، نتایج به دست آمده از مدل جریان دانش آموزی دانش آموزان پسر و دختر نشان داد که از بین کلیه دانش آموزان پسر ثبت نامی در سال پایه برنامه، تنها ۵۴ درصد از این دانش آموزان موفق به اتمام راهنمایی در سه سال شده اند و ۳۰/۲۵ درصد از دانش آموزان باقیمانده، این دوره را طی ۴ و یا ۵ سال پشت سر گذاشته اند. این مطلب نشان دهنده این نکته است که تقریباً نیمی از دانش آموزان پسر شهرستان، موفق به عبور از مقطع راهنمایی به دبیرستان در طول سه سال شده اند و نیمی دیگر یا دوره را در چهار یا پنج سال گذرانده اند و یا کلاً از جریان تحصیل خارج شده اند. و این در حالی است که از بین دانش آموزان دختر ۷۲/۳۲ درصد توانسته اند به صورت مستقیم یعنی در حالت ایده آل

که ۳ سال می‌باشد به پایه اول دبیرستان راه پیدا کنند و تنها ۱۰ درصد از دانش آموز دختر به مدت ۴ سال و کمتر از یک (۱) درصد این دوره را در ۵ سال گذرانده اند. با توجه به اطلاعات بالا می‌توان به وضعیت جریان تحصیلی و اختلاف موجود بین دانش‌آموزان پسر و دختر شهرستان اهواز پی برد. این یافته با نتیجه به دست آمده توسط ممبینی (۱۳۷۶) که به این نتیجه دست یافته بود که نرخ ارتقاء در بین پسران کمتر از دختران می‌باشد، همسو است.

### فهرست منابع:

- بهمنی، سیامک (۱۳۸۲). بررسی کارآیی درونی شاخه کار و دانش در استان خوزستان. اهواز: پژوهشکده تعلیم و تربیت استان خوزستان.
- سالمی، محمد (۱۳۷۶). بررسی کارآیی درونی آموزش راهنمایی استان خوزستان طی سال های ۷۶-۱۳۶۶ و مقایسه آن با شاخص های برنامه اول توسعه کشور. اهواز: پژوهشکده تعلیم و تربیت استان خوزستان.
- سالمی، محمد (۱۳۸۲). بررسی کارآیی درونی آموزش راهنمایی استان خوزستان طی سال های ۷۸-۱۳۷۴ و مقایسه آن با شاخص های برنامه دوم توسعه کشور. اهواز: پژوهشکده تعلیم و تربیت استان خوزستان.
- صالحی ویسی، محمد (۱۳۸۷). بررسی کارآیی درونی دوره ی ابتدایی استان خوزستان طی سال های ۸۳-۸۴ و مقایسه آن با شاخص های برنامه دوم و سوم توسعه. اهواز: شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان خوزستان.
- عطابخش، سعید (۱۳۷۶). بررسی کارآیی درونی آموزش ابتدایی عشایر استان خوزستان طی سال های ۷۴-۱۳۶۸ و مقایسه آن با شاخص های برنامه ی اول و دوم توسعه کشور. اهواز: پژوهشکده تعلیم و تربیت استان خوزستان.
- عمادزاده، مصطفی (۱۳۷۹). تحلیل کارائی داخلی در آموزش دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان. مطالعات و پژوهش های دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

فاتحی، اردشیر (۱۳۸۱). بررسی کارایی درونی آموزش فنی و حرفه ای آموزش و پرورش استان اصفهان طی سال های ۷۹-۱۳۷۵، طرح پژوهشی. اصفهان: شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان اصفهان

کریستنسن، لاری بی (۱۹۴۱). روش شناسی آزمایشی، ترجمه علی دلور، ۱۳۸۷، تهران: انتشارات رشد

گروه مشاوران یونسکو (۱۳۸۹). فرایند برنامه ریزی آموزشی، ترجمه فریده مشایخ، دفتر انتشارات کمک آموزشی، انتشارات مدرسه.

معروفی، یحیی (۱۳۷۹). بررسی برابری فرصت های آموزشی در دوره متوسطه در شهرستانها و مناطق آموزشی تابعه استان کردستان در سنوات تحصیلی ۷۱-۷۲ الی ۷۷-۷۸. شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان کردستان.

ممبینی، خداداد (۱۳۷۴). بررسی کارایی درونی مقطع متوسطه نظری آموزش و پرورش استان خوزستان درمقایسه با کشور و ارتباط کارایی درونی با شاخص های درون داد. اهواز: پژوهشکده تعلیم و تربیت استان خوزستان.

- Abagi O. & odipo G. (1997). Efficiency of primary education In Kenya: situatio analysis and implication foreducational reform, *Institute of Policy Analysis and Research, Ambank House, University Way, September 1997*.
- Burney, N. A. & Othman M. E. (2009). The efficiency of the public education system in Kuwait. *The Social Science Journal* 39 (2009) 277-286.
- Bradley, S., Johnes, G. & Millington, J. (2001). The effect of competition on the efficiency of secondary schools in England. *European Journal of Operational Research*, 135, pp. 545-568.
- Chakraborty, K., Biswas, B., & Lewis, W. (2001). Measurement of Technical Efficiency in Public Education: A Stochastic and Nonstochastic Production Function Approach Southern Economic Journal, 67(4), pp. 889-905.
- Chakraborty, K. (2009). Efficiency in Public Education – The Role Socioeconomic Variables. *Research in Applied Economics*, ISSN 1948-5433, 2009, Vol. 1, No. 1: E5.
- Conroy, S. J. & Arguea, N. M. (2008). An estimation of technical efficiency for Florida public elementary schools. *Economics of Education Review* 27 (2008) 655-663.



- Durasiamy, P. (2002) Changes in Returns in India, 1983-94: By gender, Age-Cohort and Location; *Economics of Education Review*, 21, PP 609-622.
- Johne, J. (2006). Data envelopment analysis and its application to the measurement of efficiency in higher education. *Economics of Education Review* 25 (2006) 273–288.
- Lincove, J. A. (2006). Efficiency, Equity and Girls' Education. public administration and development 26, 339–357 (2006). *Published online in Wiley InterScience*.
- Ncube, N. j. (2004). Managing the quality of education in Zimbabwe: the internal efficiency of Rural day secondary schools. university of south Afriga, November 2004.
- Joumady O. & Ris C. (2004). Determining the relative efficiency of European Higher Education Institutions suing DEA. *Economics of Education Review* 15 (2004) 45–60.
- Primont, D. F & Domazlicky, B. (2006). Student achievement and efficiency in Missouri schools and the No Child Left Behind Act. *Economics of Education Review* 25 (2006) 77–90.
- Stupnytsky, O. (2004). Secondary schools efficiency in the Czech Republic. *Center for Economic Research and Graduate Education, Prague, Czech Republic*, 120, 121, P20.